

نهضت پگواش

نوشته جوزف روتبلات

از سوی آقای سایروس ایتون، کارخانه‌دار کانادایی - آمریکایی بود. وی آمادگی خود را برای تعهد هزینه‌های کنفرانسی مرکب از دانشمندان که در بیانیه بدان اشاره شده بود اعلام و پیشنهاد کرد که این کنفرانس در زادگاه وی پگواش، دهکده ماهیگیری کوچکی در نووا اسکوتیا، برگزار گردد.

ایتون در نامه خود تصریح کرد که گرچه شرکت‌کنندگان میهمان وی خواهند بود ولی از استقلال کامل برخوردار خواهند بود؛ راسل و همکارانش کارهای مقدماتی و سازماندهی را بر عهده خواهند داشت و اداره امور کنفرانس کلاً در اختیار شرکت‌کنندگان خواهد بود.

نخستین کنفرانس از مجموعه گردهم‌آبیهای دانشمندان در پرتو بیانیه راسل - اینشتین در ژوئیه ۱۹۵۷ منعقد شد. بیست‌ودو شرکت‌کننده از آن ده کشور، از جمله ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، اتحاد شوروی، چین و لهستان، بودند. کار کنفرانس بین سه کمیته تحت عنوانهای زیر تقسیم شد: خطرهای مولود از کناربرد نیروی اتمی در صلح و جنگ؛ کنترل سلاحهای هسته‌ای؛ و مسئولیت اجتماعی دانشمندان.

خطر احتمالی ابرهای رادیواکتیو ناشی از آزمایش سلاحهای هسته‌ای در آن زمان مسئله مهمی بود، و اینکه

اینشتین بلافاصله موافقت کرد و از راسل خواست که بیانیه‌ای مناسب تهیه کند. راسل چنین کرد و در آوریل ۱۹۵۵ بیانیه را جهت امضاء برای اینشتین فرستاد.

کمی بعد راسل در هواپیمایی از رم عازم پاریس بود که خلبان خبر درگذشت اینشتین را به مسافران داد. راسل سخت نگران شد، زیرا از آن بیم داشت که بدون حمایت اینشتین طرحشان با شکست روبرو شود. ولی هنگامی که راسل به هتل خود در پاریس رسید نامه‌ای همراه با امضای اینشتین بر بیانیه در انتظار او بود. امضای این بیانیه یکی از آخرین کارهای زندگی آن دانشمند بزرگ بوده است. نهضت پگواش در چنین وضع هیجان‌انگیزی به وجود آمد.

بیانیه به امضای نه دانشمند دیگر از شش کشور رسید و در ۹ ژوئیه ۱۹۵۵ طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در تالار ککستون لندن برگزار شد اعلام گردید.

تعداد کثیری از نمایندگان رسانه‌های گروهی سراسر جهان در این کنفرانس مطبوعاتی شرکت جستند. این کنفرانس با موفقیت بسیار قرین بود و تبلیغات فراوانی درباره‌اش شد. در نتیجه سیلی از نامه و تلگرام از جانب افراد و گروه‌هایی که به حمایت از بیانیه برخاسته بودند و پیشنهاد کمک می‌کردند جاری شد. یکی از این نامه‌ها

نخستین ابتکار اقدام مستقیم در زمینه ایجاد نهضت صلح نه به یک دانشمند علوم طبیعی که به فیلسوف انگلیسی برتراند راسل تعلق دارد. در ۱۹۵۵ وضع جهان بسیار خطرناک و آینده بشر بسیار یأس‌آور به نظر می‌رسید. تهیه بمب هیدروژنی در ایالات متحده و اتحاد شوروی آغازگر مسابقه تسلیحات هسته‌ای بود، و هر دو طرف به تولید و آزمایش بمبهای مشغول بودند که نیروی مخرب آنها روبه‌افزایش بود. حتی در آن زمان، یعنی قبل از پیدایش موشکهای بالستیک، این بمبها که توسط هواپیما پرتاب می‌شد قادر بود وسیعترین مراکز جمعیت را از میان بردارد. در شرایط سوءظن، ترس و تبلیغات خصمانه شدیدی که در آن زمان وجود داشت، احتمال زیادی می‌رفت که جنگ سرد به جنگ گرمی تبدیل شود که در آن تمدن به نابودی کشانده شود.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.

در چنین اوضاع و احوالی بود که بیانیه راسل - اینشتین تهیه شد. این فکر به ذهن راسل خطور کرد که جامعه دانشمندان بایستی فعالانه به خطرانی توجه کند که تا حدود زیادی مولود کار همان دانشمندان است. در آن زمان آلبرت اینشتین بزرگترین دانشمند زنده جهان بود و راسل موضوع تشکیل کنفرانسی مرکب از دانشمندان برجسته را در این زمینه با وی در میان گذاشت.



صلح بر کهکشان خنیاگر آباها
 چون جمعیتی که به یکدیگر تنه می‌زنند
 صلح در موجهای دریای حسن نیت
 صلح بر آرامگاه کشتی غرق شده
 صلح بر طبلهای نخوت و مردمکهای تیره
 و اگر من معتبر موجهایم
 صلح بر من نیز.

ویسته هونیویرو (شیلی)
 Monumento al mar



اصولی تکوین یافته است که معمولاً هر پنج سال یکبار در «کنفرانسهای پنجساله»، که به مثابه مجمع عمومی پگواش است و هر کس که در گذشته دست کم در دو کنفرانس شرکت کرده حق شرکت در آن را دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گرچه بیشترین تعدادی که تاکنون در کنفرانسی شرکت کرده‌اند به ۲۲۲ نفر - در کنفرانس پنجساله ۱۹۷۷ - بالغ می‌شود، هدف هرگز این نبوده است که فعالیتهای نهضت به گروه معدودی از دانشمندان محدود بشود. یکی از راه‌های جلب مشارکت افراد بیشتر، ایجاد گروه‌های ملی پگواش تشخیص داده شده به طوری که در ۱۹۸۲ چنین گروه‌هایی در سی و شش کشور تشکیل یافته بود. مدرسه تابستانی بین‌المللی کنترل تسلیحات که هر دو سال یکبار توسط گروه پگواش ایتالیا تشکیل می‌شود از جمله فعالیتهای مرتب گروه‌های ملی است.

در سی و نه کشور دیگر نیز افراد وابسته به پگواش وجود دارند ولی تعداد آنها به حدی نرسیده است که گروهی ملی تشکیل دهند. در چنین مواردی، گروه‌های منطقه‌ای، نظیر آنهایی که در حال حاضر در آفریقا و امریکای لاتین موجود است، ایجاد می‌شوند.

امروزه نهضت پگواش به منزله وسیله ارتباطی مهم و مؤثری بین دانشمندان جهت مطالعه و بحث درباره بسیاری از مسایل پیچیده‌ای است که بشر در عصر حاضر با آن روبرو است. شرکت دانشمندان برجسته شرق و غرب و شمال و جنوب در این کنفرانسها، و پیشنهادهای سازنده‌ای که بویژه در زمینه خلع سلاح از مباحثات منتج شده احترام جامعه علمی، دولتها، و بسیاری از بخشهای اجتماع را نسبت به کنفرانسهای پگواش برانگیخته است. نام «پگواش» نمادی از مباحثه موفقیت‌آمیز بین‌المللی درباره مسایل بحث‌انگیز شده، و این کنفرانسها را به عنوان نمونه‌ای جهت کوششهای مشابه در زمینه‌های دیگر می‌شناسند.

توفیق کنفرانسهای پگواش نتیجه کوششهای مجدانه گروهی از دانشمندان است که مصمم‌اند دیدگاهی مستقل و فارغ از تعصب داشته باشند و نسبت به بنیان نهادن و تحکیم تفاهم و همکاری بین‌المللی شوقی وافر دارند. این کنفرانسها نشان داده‌اند که می‌توان رهیافت علمی را، که در زمینه علم و تکنولوژی با چنین توفیقی قرین بوده است، در مورد مسایلی که تنها من غیرمستقیم با علم ارتباط دارند به کار برد. این کنفرانسها نشان داده‌اند که حتی در مورد موضوعات شدیداً بحث‌انگیز هم می‌توان سخن حق را گرفت و موهن نبود، صراحت به خرج داد و کسی را ضربه نکرده، به شرط اینکه رهیافتی مشترک مبتنی بر عینیت علمی و احترام متقابل وجود داشته باشد.

جوزف روتلات، از انگلستان، از اعضای مؤسس پگواش است که نخستین دبیر کل آن بود (۱۹۷۳ - ۱۹۵۷). وی که استاد بازنشسته فیزیک در دانشگاه لندن است، سالها در حمایت از کنترل تسلیحات و خلع سلاح مبارزه کرده است و آثار فراوانی در مورد امور بین‌المللی، انرژی هسته‌ای و پوش مستر در راه صلح نگاشته و از جمله تاریخ رسمی پگواش را تألیف کرده است. او ویراستار عمومی دانشمندان، مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح، است که حاوی مقالات سمپوزیومی است که از جانب پگواش و یونسکو ترتیب داده شده بود و در ۱۹۸۲ توسط یونسکو منتشر شد. متن حاضر از مقاله‌ای گرفته شده که مؤلف برای مجموعه مقالاتی درباره خاستگاه‌های نهضت‌های صلح در نقاط مختلف جهان نوشته و از سوی یونسکو منتشر خواهد شد.



مشابهی ترتیب دهد. بدین ترتیب نهضت دانشمندان تشکیل گردید و نام خود «کنفرانسهای پگواش درباره علم و امور جهانی» را از نخستین کنفرانس گرفت. از آن به بعد، وجوه ممیزه زیر در پگواش تکوین یافته است: شرکت کنندگان در کنفرانسها و جلسات من حیث شخص خودشان دعوت می‌شوند و نمایندگی کسی جز خودشان را بر عهده ندارند؛ شرکت کنندگان از دانشمندان (این واژه به وسیعترین معنای آن به کار گرفته می‌شود) و به طیف وسیعی از گروه‌های ایدئولوژیکی و جغرافیایی در جامعه علمی تعلق دارند؛ در جلسات پگواش، مباحثات از کیفیتی صرفاً علمی برخوردارند؛ پگواش به عنوان دستگاهی خصوصی و مستقل معمولاً به استثنای سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی آن نظیر یونسکو، به اقدام مشترک با سازمانهای دیگر دست نمی‌زند.

یونسکو همواره نسبت به نقش و مسئولیت دانشمندان توجه خاصی میبذول داشته است: مقدمه اساسنامه یونسکو حاوی این گفته معروف است که «... از آنجایی که جنگ از انخان افراد آغاز می‌شود، در انخان افراد است که دفاع از صلح بایستی بریزی کرده در سال ۱۹۸۲ یونسکو به اتفاق پگواش سمپوزیومی تحت عنوان «دانشمندان، مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح» تشکیل داد. نتایج و توصیه‌های این سمپوزیوم منضم وظایفی مشخص برای دانشمندان در جهت تحقق تعهدات اجتماعیشان بود. این توصیه‌ها مبتنی بر تکوین آرای است که از سال ۱۹۵۷ در کنفرانسهای پگواش مطرح شده است.

از میزات منحصر بفرد پگواش یکی قدرت انعطاف در سازمان و وجود حداقل ساختار رسمی در آن است. اساسنامه مکتوب و عضو رسمی ندارد؛ هر دانشمندی که در یکی از کنفرانسهای پگواش شرکت کرده خود به خود بدان تعلق می‌یابد. ولی، نداشتن اساسنامه بدان معنی نیست که کاملاً دلخواهی عمل شود. در اثر مرور زمان

چنین گروهی بین‌المللی از دانشمندان، شامل طیف وسیعی از عقاید سیاسی، توانستند در مورد ارزیابی کمی عواقب آزمایشهای گسترده سلاحهای هسته‌ای به توافق آراء برسند از اهمیت شایانی برخوردار است. بحث انگیزترین موضوع، مسئله مورد بحث در کمیته کنترل سلاحهای هسته‌ای بود، چرا که تمام حوزه تحدید و تقلیل تسلیحات و اقدامات لازم جهت نیل به خلع سلاح عمومی و کامل را شامل می‌شد. بیشتر وقت کنفرانسهای بعدی پگواش صرف این مسایل گردید. ولی در این باره که دانشمندان می‌توانند و باید در بحث در این زمینه‌ها شرکت جویند همگان متفق‌الرأی بودند.

کمیته مسئولیت اجتماعی دانشمندان نیز در زمینه کار خود به اتفاق آراء رسید و بیانیهای مبنی بر معتقدات مشترک صادر کرد. اینکه بیانیهای منضم جزئیات یکی از بحث‌انگیزترین مسائل روز در مورد نقش و مسئولیت دانشمندان توسط چنین گروه متنوعی پذیرفته شد فی نفسه بسیار مهم بود. احتمالاً این نخستین باری بود که کنفرانسی به واقع بین‌المللی از جانب دانشمندان و در حضور شرکت‌کنندگانی از شرق و غرب، نه به منظور بحث در مورد مسایل صرفاً فنی بلکه برای بررسی بی‌آمدهای اجتماعی کشف علمی، تشکیل شده بود.

نخستین کنفرانس پگواش ثابت کرد که دانشمندان دارای هدف مشترکی هستند که می‌تواند، بدون مخدوش ساختن وفاداریهای بنیادین، از مرزهای ملی فراتر رود. این کنفرانس نشان داد که دانشمندان، به سبب تعلیمات و دانش خود، قادرند به منظور یافتن راه‌حل به بحث عینی در مورد مسایل پیچیده‌ای بپردازند که مولود پیشرفت علم است.

نیل به این اتفاق هدف، شرکت کنندگان را بر آن داشت که به کوشش بیشتری در این زمینه دست بزنند. به همین منظور در پایان کنفرانس کمیته‌ای دایمی متشکل از پنج نفر تشکیل شد و مأموریت یافت که کنفرانسهای